

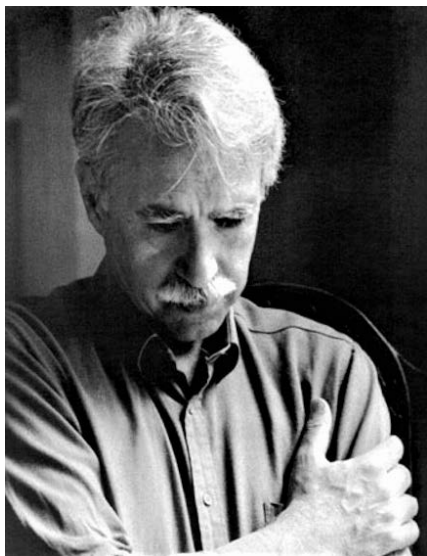
هرچه کند ز شاهی، کس نکند ملامتش سخنی درباب گفتمان ویرایش کریم امامی

علی خزاعی فر

در دوره پهلوی دوم، یکی از مهم‌ترین اتفاقات در عرصه ویرایش تأسیس مؤسسه فرانکلین بود. درباره این مؤسسه سخن بسیار گفته شده، از جمله بسیاری فرانکلین را آغازگر ویرایش به سبک جدید دانسته‌اند، اما در مورد سرپرست بخش ویرایش این مؤسسه، یعنی کریم امامی، و نقش او در این حرکت جدید کمتر صحبت شده است.

آنچه مسلم است این است که مدیر خوش‌ذوق فرانکلین آقای صنعتی‌زاده می‌خواسته ترجمه‌هایی با کیفیت و براساس شیوه‌ها و معیارهای ناشران غربی تولید کند، و برای این کار طبعاً، قبل از هر چیز، باید اطمینان حاصل می‌کرد که ترجمه‌ها مطابق با متن اصلی باشند و لذا می‌بایست بخشی با عنوان ویرایش (تطبیقی) در فرانکلین ایجاد می‌کرد. در آن زمان مترجم فعال مایشاء یا شاهد خودسر بود و به قول سعدی، «هرچه کند ز شاهی، کس نکند ملامتش». اگر بخشی از مطلب را نمی‌فهمید یا ضروری تشخیص نمی‌داد حذف می‌کرد و با توجه به اینکه غالب مترجمان تسلط چندانی بر زبان‌های خارجی نداشتند چه بسا آنچه را خیال می‌کردند فهمیده‌اند نادرست فهمیده بودند. خلاصه اینکه کتاب از زیر دست مترجم به چاپخانه می‌رفت. در چنین وضعیتی می‌توان تصور کرد که وقتی ویراستاران جوان فرانکلین ترجمه ویرایش شده مترجمان نوعاً بزرگ‌تر از خود را به آنها نشان می‌دادند چقدر باعث خشم و حیرت آنها می‌شدند و از این رهگذر خدا می‌داند چه دعوایی به پا شده و چه کینه‌ها و دوستی‌هایی به وجود آمده است.

و در رأس این «ویرایش‌خانه» مردی قرار گرفت زبان‌دان، منظم و کمال‌گرا. و کسانی که با او همکاری می‌کرده‌اند هرکدامشان یلی بوده‌اند یا بعدها برای خود یلی شده‌اند، از جمله میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی، احمد سمیعی گیلانی، ابوالحسن نجفی، محمدرضا حکیمی، محمود بهزاد، ناصر پاکدامن، گلی امامی، احمد میرعلایی، امیرجلال‌الدین اعلم، عبدالحسین آذرنگ، محمد حیدری ملایری، باقر معین‌الغربائی و چندین تن دیگر.



پس کریم امامی مُبدع ویرایش تطبیقی در فرانکلین نیست، اما او در فرانکلین بنای گفتمانی را گذاشت که امروز میراث او در عرصه ویرایش به حساب می‌آید. مفاهیم کلیدی این گفتمان عبارت بود از «دقت»، «مطابقت» و «وفاداری»، مفاهیمی که پیش از هرچیز به تربیت و شخصیت خود امامی برمی‌گشت و کاملاً امکان داشت که اگر شخصی غیر از امامی در آن مسئولیت قرار می‌گرفت گفتمان دیگری را مطرح کند، گفتمانی که، برای مثال، به‌جای نویسنده، بر خواننده یا زبان فارسی تأکید کند.

و اما اینکه امامی چگونه به چنین گفتمانی رسیده بود عجیب نبود. امامی تسلطی کم‌نظیر بر زبان انگلیسی داشت و، از این گذشته، به این زبان عشقی عالمانه داشت و با حوصله عالمانه یکسر به هزارتوهای این زبان سرک می‌کشید و نکته‌ها می‌آموخت، انگار که در نزد او، زبان انگلیسی یکی از علوم دقیقه بود، و مثل عالمان علوم دقیقه اخلاق علمی را دقت در فهم معنی و انتقال دقیق آن می‌دانست.

گفتمان امامی در زمان خود بسیار لازم بود، واکنشی به هرج‌ومرج حاکم بر عرصه ترجمه. اما تأکید بر دقت به‌عنوان تنها معیار «صحت» و لزوم وفاداری به عین کلام نویسنده دو تالی فاسد داشت: یکی اینکه بین متون تمایزی قائل نبود، یعنی متن ادبی را از سایر متون متمایز نمی‌کرد. و دوم اینکه دست مترجم را از آزادی‌های مشروع خود کوتاه می‌کرد، به‌طوری که برخی ترجمه‌ها، به قول آقای صلح‌جو، «از فرط دقت نامفهوم شده‌اند.» (مترجم، شماره ۷۴). باید سال‌ها طول می‌کشید تا معلوم شود هم مفهوم دقت و هم مفهوم همزاد آن، وفاداری، اگرچه در عرصه علم مفاهیم مقدسی به نظر می‌رسند، حداقل در عرصه ترجمه، مفاهیمی مطلق نیستند و شدت اعمال آنها باید تابع عوامل دیگری از جمله خواننده ترجمه، نوع متن و محدودیت‌های زبان فارسی باشد.

از جمله جاهایی که گفتمان دقت محدودیت خود را آشکار می‌کند عرصه ترجمه ادبی است. جایی که زبان، در برخی موارد، اشاره‌وار، استعاری، احساسی، پوشیده، رمزی و فاقد قطعیت و در بسیاری موارد خلاق و متشکل از ترکیبات و تعبیرات و ساختارهای بدیع است،

و انتقال دقیق آنها به زبانی دیگر جز با تداخل زبانی ممکن نیست، حال آنکه ترجمهٔ رمان فرصتی است برای شکوفایی زبان بومی، اما این شکوفایی با بسط درونی و خلاق توانایی‌های بالقوهٔ زبان حاصل می‌شود و نه با انتقال صورت‌های زبانی از زبانی دیگر. گفتمان امامی در باب ویرایش را می‌توان در ترجمهٔ خود او از گتسی بزرگ دید. این ترجمهٔ زبان دقیقی دارد، اما گتسی بزرگ رمان است و دائرةالمعارف نیست، و در ترجمهٔ رمان دقت بیش از حد مانع از بروز خلاقیت زبانی و انتقال سبک نویسنده می‌شود، حقیقتی که خود امامی بعدها، احتمالاً در مورد ترجمهٔ ادبی، آن را پذیرفت.

تردیدی نیست که گفتمان امامی در باب ویرایش، به کار مترجمان زمان خود نظم داده و با تثبیت ضرورت مقابلهٔ تطبیقی در عرصهٔ نشر هنوز هم یکی از گفتمان‌های جدی در ویرایش به حساب می‌آید، اما این گفتمان که در زمان خود نوآوری به حساب می‌آمد در طول چندین دهه طبعاً تحول یافته و گفتمان‌های رقیبی در برابرش قد علم کرده‌اند. 